

تأثیر متغیرهای رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی بر عدم شفافیت سود

رضوان حجازی^{۱*}، سید احمد خلیفه سلطانی^{**} و زرافشان رحمانی^{***}

*دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

** استادیار دانشگاه الزهرا (س)

*** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

هدف این پژوهش، آزمون تأثیر عوامل اقتصادی بر کیفیت حسابداری است. عوامل اقتصادی شامل رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی است. کیفیت حسابداری به وسیله "عدم شفافیت سود" اندازه گیری می‌شود. عدم شفافیت سود دارای سه بخش گزارشگری جسورانه سود، زیان‌گریزی و هموار سازی سود است. به منظور اندازه‌گیری عدم شفافیت سود، داده‌های مربوط به اقلام تعهدی، سود و زیان خالص و جریان‌های نقدی عملیاتی همه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای ده سال جمع‌آوری گردید. رشد اقتصادی از طریق رشد سرانه سالانه تولید ناخالص داخلی محاسبه گردید. برای آزادی اقتصادی نیز از داده‌های گزارش سالانه ۲۰۰۹ مؤسسه تحقیقاتی فریزر استفاده شد. برای آزمون عوامل تعیین‌کننده عدم شفافیت سود، مدل‌های رگرسیون با کنترل ایستایی (پایایی) سری‌ها، به کار گرفته شد. نتایج حاصله بیانگر این هستند که عدم شفافیت سود با رشد اقتصادی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مستقیم دارد، اما بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی رابطه معناداری مشاهده نگردید. واژه‌های کلیدی: عدم شفافیت سود، رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، تئوری نمایندگی

مقدمه

بین سازمان و فرهنگ با جامعه، گویای آن است که جنبه‌های محیطی و تخصصی حسابداری ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ تا حدی که جنبه

حسابداری همانند سایر علوم تحت تأثیر محیط است. تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته در زمینه رابطه

فرضیات پژوهش

مطابق با سوال‌های پژوهش، فرضیات نیز به صورت زیر است:

۱- بین عدم شفافیت سود و رشد اقتصادی رابطه مستقیمی وجود دارد.

۲- بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی رابطه معکوسی وجود دارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این پژوهش کیفیت حسابداری به وسیله "عدم شفافیت سود" یا "ابهام سود" شرکت‌ها بررسی می‌گردد. از این رو، می‌توان این متغیر را به عنوان یک متغیر عمده حسابداری معرفی کرد.

تعاریف گوناگونی از شفافیت و عدم شفافیت شرکت‌ها (برای مثال، ویش واناث و کافمن [۳۰]، فلورینی [۱۴]، باتاچاریا و همکاران [۹] و ...) و شیوه اندازه‌گیری آن (بوش من، پیوتروسکی و اسمیت [۱۰]) ارائه شده است. طبق تعریف باتاچاریا و همکاران، عدم شفافیت سود بیانگر این است که چه میزان اطلاعات ناکافی در رقم سود گزارش شده شرکت در خصوص سود اقتصادی صحیح، اما غیر قابل مشاهده وجود دارد.

عوامل اقتصادی، شامل رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی است. رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از: افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص، در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه رشد اقتصادی محسوب می‌شود. [۱۸]

تخصصی آن را نمی‌توان با نادیده گرفتن جنبه محیطی مطالعه نمود [۱۶]. در واقع، این موضوع از یک تئوری کلی ناشی می‌شود؛ با این فرض که حسابداری و پدیده‌های آن تابع محیط خود هستند [۲۵ و ۳۱].

هدف و ضرورت انجام پژوهش

عوامل محیطی شرکت‌ها که شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قانونی می‌شود، بر ابهام سود شرکت‌ها تأثیرگذار است. عدم شفافیت سود تحت تأثیر فرهنگ تجاری و حسابداری است که به وسیله محیط اقتصادی، اجتماعی و حسابداری شکل می‌گیرد [۲۳]. به دلیل گستردگی ابعاد محیطی، در این پژوهش به بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و عدم شفافیت سود (به عنوان شاخص فقدان کیفیت حسابداری) پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش، به ادبیات حسابداری در خصوص تأثیر عوامل اقتصادی بر ابهام سود کمک می‌کند. بنابراین، هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر عوامل اقتصادی یعنی متغیرهای رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی بر کیفیت حسابداری و به طور خاص بر عدم شفافیت سود^۱ است.

پرسش‌های پژوهش

سوال‌های اصلی پژوهش به شرح زیر است:

آیا بین عدم شفافیت سود و رشد اقتصادی رابطه وجود دارد؟

آیا بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی رابطه وجود دارد؟

تضاد منافع، مدیران کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این به معنای ایجاد ابهام در سود است. رشد اقتصادی نه تنها فرصت طلبی شرکت‌ها را از طریق ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری خوب افزایش می‌دهد، بلکه سبب رقابت بیشتر نیز می‌شود [۲۳]. به عبارت دیگر، با افزایش رشد اقتصادی در یک کشور، محیط فعالیت شرکت‌ها نیز رقابتی‌تر می‌شود. افزایش در رقابت، امکان حذف شدن^۱ از صحنه رقابت را افزایش می‌دهد و این نیز ممکن است سود شرکت را کاهش داده، نقش تلاش‌های مدیریت رده بالا را کم‌رنگ‌تر کند (اسمیت [۲۷]، هرملین [۱۷]، اسکارفاستین [۲۶]).

بنابراین، افزایش در رقابت بر انگیزه‌های مدیریتی تأثیرگذار است. نتیجه نهایی بالقوه، فرصت طلبی بیشتر مدیران در شکل کم‌کاری و تقلب (اورتس [۲۱])، رانت جویی^۲‌های مدیریتی (ادلین و استیگلیتز [۱۲]، شوئر [۲۹]) و تقاضا برای قراردادهای انگیزشی^۳ (اسکات [۲۸]، نمازی [۸]، فلسکلتی [۱۳])

1. Liquidation

2. rent-seeking

در علم اقتصاد، رانت جویی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد، سازمان یا شرکتی سعی می‌کند که با دستکاری محیط قانونی و (یا) اقتصادی، پولی را به دست آورد، به جای این که تجارت کرده، تولید ثروت کند [۱۸].

3. Golden parachutes

توافقی است بین شرکت و کارمند (معمولاً مدیران اجرایی رده بالا) مبنی بر این که در صورت خاتمه قرارداد استخدام، کارمند منافع با اهمیت مشخصی را دریافت خواهد کرد. اغلب اوقات، شرایط مشخصی، معمولاً تغییر در مالکیت شرکت، سبب خاتمه قرارداد استخدام است. اما معمولاً علت خاتمه نا مشخص است. منافع یاد شده ممکن است شامل پاداش نقدی، حق اختیار خرید سهام، پرداخت‌های مجزا یا سایر منافع باشد. دلیل وجودی این گونه منافع برای این است که انگیزه‌های انحراف را کاهش دهند (قراردادهای انگیزشی) [۱۸].

گارتنی، آزادی اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند که افراد دارای آزادی اقتصادی خواهند بود؛ اگر:

۱- دارایی که کسب می‌کنند بدون استفاده از زور، تقلب و یا سرقت باشد و همچنین، در برابر تجاوز دیگران حفظ گردد.

۲- افراد آزادند که دارایی‌هایشان را استفاده، مبادله و یا نگهداری کنند؛ بدون آن که موجب تضعیف حقوق دیگران گردند. [۳]

با توجه به تعریف گارتنی، عناصر مهم و اصلی آزادی اقتصادی عبارتند از: انتخاب شخصی، مبادله و معاوضه داوطلبانه، آزادی برای رقابت، و محافظت از شخص و دارایی.

در پژوهش حاضر دو فرضیه مطرح شده است که هر دو آن‌ها از دیدگاه تئوری نمایندگی قابل بحث است. هر چند از دیدگاه قانونی، شرکت یک شخصیت حقوقی مستقل و جداگانه محسوب می‌شود، اما در سال‌های اخیر بسیار معمول شده است که شرکت را به عنوان مجموعه‌ای از قراردادهای طرف‌های مختلف تلقی می‌کنند. مهمترین این قراردادهای، قرارداد میان مدیران و سهامداران شرکت است. در قرارداد میان سهامداران و مدیریت شرکت، سود حسابداری به عنوان برترین شاخص اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی بوده که محصول فرآیند حسابداری مالی است و برای مقاصد مختلف، نظیر طرح‌های جبران خدمات (پاداش) مدیریت و ارزیابی وظیفه مباشرت مدیریت، نقش اساسی بازی می‌کند. بنابراین، با توجه به اهمیت سود حسابداری و نقش تعیین کننده آن در شرایط قرارداد میان سهامداران و مدیریت، این فرض قوت می‌گیرد که به دلیل وجود

خواهد بود. این نتایج، ناشی از تئوری نمایندگی است. افزایش در فرصت طلبی نه تنها دارای پیامد اقتصادی با اهمیتی است [۱۵] بلکه دارای اثرات خاصی بر پاداش نقدی مدیران اجرایی است [۲۰]. فرصت طلبی ایجاد شده در نتیجه دچار محیط رقابتی‌تر، منجر به تغییرات بیشتر عملکرد اقتصادی گزارش شده، شرکت به وسیله افراد درون سازمانی و در نتیجه دچار افزایش در عدم شفافیت سود خواهد شد.

تضاد منافع بین مالک- نماینده به عنوان یکی از مشکلات تئوری نمایندگی باعث می‌شود که افراد درون سازمانی تمایل بیشتری برای پنهان کردن عملکرد شرکت داشته باشند، تا از این طریق مداخله قانونی و (یا) مداخله افراد برون سازمانی را حداقل کنند و (یا) تصویری مالی ارایه دهند که برای افراد برون سازمانی جذاب باشد. این عمل، ذات مفاهیم و تکنیک‌های عدم شفافیت سود محسوب می‌شود [۲۳]. ناتوانی افراد برون سازمانی در نظارت و اداره کردن افراد درون سازمانی، که در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی حاصل از عدم شفافیت سود به وجود می‌آید، یک منفعت شخصی قابل ملاحظه محسوب می‌شود. در این شرایط، تنها راهکاری که برای افراد برون سازمانی باقی می‌ماند، انعقاد قراردادهایی در جهت حفظ حقوقشان است (برای مثال، اختیار عزل و نصب مدیران) و یا ترجیح می‌دهند سرمایه‌گذارانشان را به شرکت‌هایی که کمتر در معرض مدیریت سود هستند، انتقال دهند. هر دو این عکس‌العمل‌ها به احتمال قوی به سطح آزادی اقتصادی بستگی دارد [۲۳].

فعالیت‌های عدم شفافیت سود در زمینه آزادی اقتصادی، مستلزم دو فرضیه رقابتی به شرح زیر است [۲۳]:

۱- فرضیه مخالف: گویای این است که عدم شفافیت سود در کشورهایی که سطح آزادی اقتصادی آن‌ها پایین‌تر است، بیشتر خواهد بود. این فرضیه مبتنی بر این است که افراد درون سازمانی تمایل بیشتری برای پوشاندن عملکرد شرکت دارند؛ به این دلیل که احتمال اعمال حقوق اقتصادی توسط افراد برون سازمانی پایین است.

۲- فرضیه جریمه: بر اساس این فرضیه، عدم شفافیت سود در کشورهایی که سطح آزادی اقتصادی آن‌ها بالاتر است، بیشتر خواهد بود؛ به این دلیل که در کشورهایی که در آن‌ها سطح آزادی اقتصادی بالاتر است، احتمال جرایم مورد انتظار بالاتر است. فرضیه جریمه مبتنی بر این فرض است که جرایم سنگین‌تری که در کشورهایی با سطح آزادی اقتصادی بالاتر وجود دارد، به افراد درون سازمانی این انگیزه را می‌دهد که فعالیت‌های رانت جویی خود را پنهان کنند.

مطابق با فرضیه اول (فرضیه مخالف)، نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده [۲۳] و داده‌های گزارش سالانه آزادی اقتصادی مؤسسه تحقیقاتی فریزر (بر اساس بررسی‌های این مؤسسه، ایران در میان کشورهای خاورمیانه جایگاه پایینی را به خود اختصاص داده است. ایران تنها از کشورهای سوریه و عراق جلوتر است. درجه آزادی اقتصادی در ایران، نشان دهنده سطح پایین کل شاخص و اجزای آن در ایران است) انتظار می‌رود که بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی رابطه معکوسی وجود داشته باشد.

تعهدی اختیاری است که اقلام تعهدی اختیاری نیز با به کارگیری مدل تعدیل شده جونز محاسبه گردیده است. پس از بررسی ۳۴۳ مشاهده طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۶ مشخص شد که ابهام صورتهای مالی با ریسک شرکت و سقوط و جهش‌های قیمت و میزان هماهنگی تغییرات بازده سهام با بازده کل بازار ارتباط معناداری ندارد.

از طرف دیگر، تنها تعداد محدودی از تحقیقات به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی در حوزه حسابداری پرداخته‌اند.

برادران شرکا و سید مطهری [۱]، در پژوهش خود به مطالعه رابطه چهار متغیر مهم کلان اقتصادی، شامل: تولید ناخالص داخلی، درآمدهای نفتی، سرمایه گذاری در بخش ساختمان و تورم در سطح تغییرات با سه متغیر عمده حسابداری، شامل: درآمد فروش، بهای تمام شده کالای فروش رفته و سود عملیاتی پرداخته‌اند و سپس رشد آن‌ها را با سه متغیر مهم دیگر حسابداری، شامل: نسبت حاشیه سود عملیاتی، بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۵ بررسی نمودند. نتایج به دست آمده، بیانگر این است که سه متغیر توضیحی تولید ناخالص داخلی، درآمدهای نفتی و سرمایه گذاری در بخش ساختمان دارای رابطه مثبت، قوی و معناداری با سه متغیر حسابداری درآمد فروش، بهای تمام شده کالای فروش رفته و سود عملیاتی دارد. نرخ تورم نیز رابطه منفی، قوی و معناداری با این سه متغیر حسابداری دارد. همچنین، نتایج نشان دهنده آن است که سه متغیر توضیحی رشد با نسبت حاشیه سود عملیاتی، بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه‌ای ندارند. متغیر توضیحی تورم نیز فقط با

باتاچارایا و همکاران [۹] عدم شفافیت سود را در ۳۴ کشور اندازه گیری کردند و سپس تأثیر عدم شفافیت سود بر دو ویژگی بازار سرمایه؛ یعنی تقاضای بازده سهامداران و میزان معاملات آن‌ها را بررسی نمودند. نتیجه تحقیق، بیانگر این بود که افزایش در معیار کلی عدم شفافیت سود در یک کشور، با افزایش قابل ملاحظه در هزینه سرمایه و کاهش قابل ملاحظه ای در میزان معاملات بازار سرمایه در آن کشور، همراه بوده است.

بلکویی و النجار [۲۳] عوامل تعیین کننده ای را که در سطح بین المللی بر عدم شفافیت سود تأثیر می‌گذارد، شناسایی نمودند. آنان فرض کردند که این عوامل، شامل عوامل اقتصادی، حسابداری و اجتماعی است. عوامل اقتصادی شامل رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی، عوامل حسابداری شامل سطح افشا، تعداد حسابرسان و پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری و عوامل اجتماعی، شامل کیفیت زندگی، فساد و حاکمیت قانون است. نتیجه تحقیق آنان، بیانگر این بود که عدم شفافیت سود ارتباط منفی با سطح آزادی اقتصادی و کیفیت زندگی داشته، با حاکمیت قانون، رشد اقتصادی و سطح فساد ارتباط مثبت دارد. در خصوص متغیرهای حسابداری؛ یعنی سطح افشا، تعداد حسابرسان و پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری، نتایج حاکی از این بود که متغیرهای حسابداری ارتباط با اهمیتی با عدم شفافیت سود در سطح بین المللی ندارد.

سمواتی [۴]، به بررسی رابطه ابهام گزارشگری مالی و توزیع بازده سهام می‌پردازد. معیار تعیین ابهام صورتهای مالی در این پژوهش، مدیریت سود از طریق دستکاری اقلام تعهدی اختیاری است. شاخص ابهام برابر با جمع متحرک دو ساله قدر مطلق اقلام

بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت حاشیه سود عملیاتی رابطه مثبت و وضعیفی دارد، ولی با بازده دارایی‌ها رابطه‌ای ندارد.

شعری [۵] در رساله خود با عنوان نقش اطلاعات بنیادی حسابداری در پیش بینی بازده سهام، با استفاده از روش شناسی پژوهش‌های بازار و انتخاب بازده سهام جهت پیش بینی، درصدد آزمون تجربی سودمندی اطلاعات حسابداری برآمد. هدف دیگر این پژوهش، ایجاد ارتباط بین متغیرهای حسابداری و اقتصادی بود؛ به گونه‌ای که بتوان از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی برای استخراج ارزش و بازده اقتصادی استفاده کرد. شرایط اقتصادی بر اساس متغیرهای کلان، شامل: تورم، صادرات نفت و گاز به دلار، رشد واقعی ارزش افزوده و تولید ناخالص ملی، مورد توجه قرار گرفت. این شرایط برای هر متغیر به سه سطح کم، متوسط و زیاد طبقه بندی گردید. دوره زمانی تحقیق سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ است. طبقه بندی مدل‌های برازش شده برای هر یک از سال‌ها بر حسب شرایط مختلف اقتصادی، نشان داد که قابلیت پیش بینی متغیرهای حسابداری در شرایط مختلف اقتصادی، بر حسب نوع متغیر کلان اقتصادی تغییر می‌کند. در شرایط تورمی کم و متوسط، درآمد ارزی متوسط و زیاد، رشد واقعی ارزش افزوده متوسط و رشد تولید ناخالص ملی زیاد، مدل‌های حسابداری توان پیش بینی بالاتری از خود نشان دادند.

روش تحقیق

پژوهش از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش نیز از نوع تحقیق‌های همبستگی محسوب می‌شود.

دامنه پژوهش

قلمرو پژوهش از نظر زمانی، دوره زمانی ۱۳۷۷-۱۳۸۶ است. جامعه و نمونه آماری شامل کلیه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهاداری است که اطلاعات مورد نیاز تحقیق را در دسترس داشته باشند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های مورد نیاز برای اندازه گیری متغیر وابسته عدم شفافیت سود اقلام ترازنامه و سود و زیان است که از متن صورت‌های مالی استخراج می‌شود. اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی از لوح‌های فشرده و بانک اطلاعاتی جامع شرکت‌ها و وب سایت مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار استخراج شده است.

داده‌های مربوط به متغیر مستقل رشد اقتصادی که شامل تولید ناخالص داخلی و کل جمعیت کشور در هر سال است، از وب سایت بانک مرکزی استخراج شد. برای اندازه گیری متغیر آزادی اقتصادی نیز از گزارش سال ۲۰۰۹ موسسه فریزر کمک گرفته شد.

تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی، و محاسبات آماری با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Eviews انجام شده است.

متغیرهای تحقیق

الف) متغیر وابسته

عدم شفافیت سود: کیفیت حسابداری در یک کشور به وسیله سه بعد عدم شفافیت سود؛ یعنی گزارشگری جسورانه سود، زیان گریزی و هموارسازی سود اندازه گیری می‌شود، که هر سه بعد نیز از طریق گزارش‌های مالی قابل اندازه گیری است.

گزارش شده کاهش یافته و به دنبال آن، عدم شفافیت سود افزایش می‌یابد. مطابق با تحقیق لوز و همکاران [۱۹] برای اندازه‌گیری هموارسازی سود در یک سال، همبستگی مقطعی بین تغییرات در ارقام تعهدی و تغییرات در جریان‌های نقدی شرکت‌ها محاسبه می‌شود. جریان‌های نقدی تعدیل شده، از طریق کم کردن ارقام تعهدی تعدیل شده از سود (زیان) تعدیل شده به دست می‌آید. به این دلیل که برخی از درجات هموارسازی سود، نتیجه طبیعی هر فرایند حسابداری تعهدی است، انتظار می‌رود که مقدار این همبستگی به طور میانگین منفی باشد، اما همبستگی منفی‌تر به احتمال زیاد به معنای هموارسازی بالاتر سود در آن سال است. عدم شفافیت کلی سود: میانگین ساده این سه بخش در هر سال، برابر با عدم شفافیت سود در آن سال است.

ب) متغیرهای مستقل

رشد اقتصادی: رشد اقتصادی از طریق رشد سالانه GDP سرانه محاسبه می‌شود.

آزادی اقتصادی: شاخص آزادی اقتصادی موسسه فریزر، درجه آزادی اقتصادی را در پنج عامل مهم اقتصادی مورد سنجش قرار می‌دهد [۱۱]:

۱. حجم و اندازه دولت: مخارج، مالیات‌ها و مشارکت دولت؛
۲. ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت؛
۳. دسترسی به پول سالم؛
۴. آزادی تجارت بین‌المللی؛
۵. قوانین اعتبار، کار و کسب و کار.

شاخص خلاصه روش سری زمانی^۱ که در این پژوهش به کار گرفته می‌شود، مبتنی بر ۲۳ مؤلفه

گزارشگری جسورانه سود: نقطه مقابل محافظه‌کاری در حسابداری است و از گرایش مدیران به افزایش در رقم سود گزارش شده ناشی می‌شود. از ارقام تعهدی برای اندازه‌گیری گزارشگری جسورانه سود استفاده می‌شود. گزارشگری جسورانه سود در یک نقطه زمانی به صورت میانگین ارقام تعهدی تعدیل شده (به وسیله مجموع دارایی‌های سال قبل) شرکت‌ها اندازه‌گیری می‌شود. همانند بسیاری از تحقیقات انجام شده (برای مثال، مشایخی و همکاران [۷]، پور حیدری و همتمی [۲]، مشایخی و صفری [۶] و ...) ارقام تعهدی از تفاوت بین سود خالص و وجوه نقد حاصل از عملیات به دست می‌آید. برای حداقل کردن تأثیر دورترین مشاهدات، میانگین مشاهدات ارقام تعهدی به کار گرفته می‌شود. میانگین بالاتر به معنای گزارشگری جسورانه‌تر سود در آن سال است.

زیان‌گریزی: رفتار زیان‌گریزی دومین معیار عدم شفافیت سود است. چنین رفتاری ارتباط بین عملکرد اقتصادی و سود را مبهم می‌کند و از این رو، عدم شفافیت سود را افزایش می‌دهد. برای محاسبه زیان‌گریزی در یک سال، نسبت تعداد شرکت‌های با سود کم، منهای تعداد شرکت‌های با زیان کم، تقسیم بر مجموع آن‌ها محاسبه می‌شود، که در این پژوهش شرکت‌های با سود کم (زیان کم)، شرکت‌هایی هستند که سود (زیان) خالص تعدیل شده آن‌ها بین صفر و ۱٪ (صفر و ۱٪-) است. نسبت بالاتر در یک سال، به معنای زیان‌گریزی بالاتر در آن سال است [۲۳].

هموارسازی سود: سودهایی که هموار شده‌اند، در ترسیم نوسان حقیقی در عملکرد زیر بنایی شرکت شکست می‌خورند، بنابراین، آگاهی دهندگی سود

است. مقادیر شاخص آزادی اقتصادی مورد استفاده در این پژوهش، از گزارش سال ۲۰۰۹ موسسه فریزر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی در نگاره‌های ۲ تا ۶ ارائه شده است.

است. این ۲۳ مؤلفه خود دارای زیر مؤلفه‌هایی هستند. در مجموع، شاخص آزادی اقتصادی جهان، ۲۶ زیر مؤلفه را بررسی می‌کند. هر مؤلفه در مقیاس صفر تا ۱۰ درجه بندی می‌شود. میانگین مؤلفه‌ها برای هر عامل اقتصادی محاسبه شده و در پایان نیز میانگین امتیازهای پنج عامل اقتصادی محاسبه گردیده

نگاره شماره ۲: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر						آماره
آزادی اقتصادی	رشد اقتصادی	عدم شفافیت سود				تعداد مشاهدات
		هموارسازی سود		زیان گریزی	گزارشگری جسورانه سود	
		تغییرات در جریان‌های نقدی	تغییرات در اقلام تعهدی			
۱۰	۱۰	۲۹۷۶	۳۰۲۶	۳۳۰۶	۳۱۵۴	تعداد مشاهدات
۵.۱۴	۰.۱۶۸۷	-۰.۶۵				مینیم
۶.۳۵	۰.۲۵۸۲	۰.۱۲۳۸				ماکزیم
۵.۹	۰.۲۱۶۷۲۳	۰.۰۴۹۲۷۷				میانگین
۰.۳۹۹۳۶۰۶	۰.۰۳۱۳۰۲۹	۰.۰۶۸۸۵۰۹				انحراف معیار
-۰.۸۷	-۰.۲۶۴	-۰.۰۷۴۳				چولگی
-۰.۹۲	-۱.۱۸۴	-۰.۰۷۲۹				کشیدگی

متغیر وابسته عدم شفافیت سود ناچیز و نزدیک به صفر است که حاکی از نرمال بودن توزیع متغیر وابسته است.

در نگاره‌های شماره ۳ تا ۶ نیز نتایج اندازه گیری‌های مربوط به متغیر عدم شفافیت سود و بخش‌های آن ارائه شده است.

در نگاره شماره ۲، میانگین از جمله شاخص‌های مرکزی، و واریانس، چولگی و کشیدگی، از جمله شاخص‌های پراکندگی به صورت کلی محاسبه شده است. در تحلیل‌های آماری توزیع متغیر وابسته از اهمیت خاصی برخوردار است. همان‌طور که در جدول هم نشان داده شده است، چولگی و کشیدگی

نگاره شماره ۳: آمار مربوط به گزارشگری جسورانه سود

سال	تعداد مشاهدات	گزارشگری جسورانه سود (میانگین اقلام تعهدی تعدیل شده در هر سال)
۷۷	۲۶۳	۰.۰۳۸۹۴
۷۸	۲۶۵	۰.۰۷۰۳۴
۷۹	۲۶۸	۰.۰۴۳۰۳
۸۰	۲۷۱	۰.۰۵۰۵۶
۸۱	۳۰۰	۰.۰۴۵۳۶
۸۲	۲۸۴	۰.۰۶۱۱۸
۸۳	۲۹۱	۰.۰۵۹۲۹
۸۴	۳۱۷	۰.۰۲۷۱۱
۸۵	۳۲۵	۰.۰۰۰۹۸
۸۶	۳۱۵	۰.۰۱۹۲۴
مجموع مشاهدات	۳۱۵۴	

میانگین بالاتر در هر سال به معنای گزارشگری جسورانه تر است. نتایج در سال‌های ۷۸ و ۸۲ است. اندازه‌گیری‌ها حاکی از گزارشگری جسورانه تر سود

نگاره شماره ۴: آمار مربوط به زیان‌گریزی

سال	تعداد مشاهدات	تعداد شرکت‌های با سود کم	تعداد شرکت‌های با زیان کم	نسبت زیان‌گریزی
۷۷	۲۶۴	۸	۲	۰.۶۰۰۰۰
۷۸	۲۶۹	۵	۰	۱.۰۰۰۰۰
۷۹	۲۷۵	۱۰	۰	۱.۰۰۰۰۰
۸۰	۲۷۶	۱۰	۱	۰.۸۱۸۱۸
۸۱	۳۱۴	۱۱	۱	۰.۸۳۳۳۳
۸۲	۳۱۳	۸	۲	۰.۶۰۰۰۰
۸۳	۳۲۹	۷	۲	۰.۵۵۵۵۶
۸۴	۳۳۰	۸	۱	۰.۷۷۷۷۸
۸۵	۳۳۲	۱۴	۳	۰.۶۴۷۰۶
۸۶	۳۳۸	۱۳	۳	۰.۶۲۵۰۰
مجموع مشاهدات	۳۳۰۶			

نسبت بالاتر در یک سال به معنای رفتار زیان‌گريزانه
 نشان‌دهنده نسبت زیان‌گريزی بسیار بالا در سال‌های
 تر شرکت‌ها در آن سال است. نتایج اندازه‌گیری‌ها
 ۷۸ و ۷۹ است.

نگاره شماره ۵: آمار مربوط به هموارسازی سود

هموارسازی سود (همبستگی بین تغییرات در اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی)	تعداد مشاهدات		سال
	تغییرات در جریان‌های نقدی	تغییرات در اقلام تعهدی	
-۰.۸۰۴۷۰	۲۴۹	۲۶۵	۷۷
-۰.۸۲۹۱۷	۲۵۹	۲۶۷	۷۸
-۰.۷۶۹۵۱	۲۷۰	۲۷۶	۷۹
-۰.۷۰۴۲۳	۲۸۳	۲۸۶	۸۰
-۰.۵۱۱۹۹	۳۰۴	۳۱۰	۸۱
-۰.۵۰۲۴۷	۳۱۰	۳۱۳	۸۲
-۰.۹۹۹۸۷	۳۱۳	۳۱۹	۸۳
-۰.۹۹۹۸۳	۳۲۸	۳۲۸	۸۴
-۰.۶۶۱۱۸	۳۳۱	۳۳۲	۸۵
-۰.۳۸۱۷۲	۳۲۹	۳۳۰	۸۶
	۲۹۷۶	۳۰۲۶	مجموع مشاهدات

نتایج، بیانگر هموارسازی سود نسبتاً بالا در سال‌های
 ۸۳ و ۸۴ است.

همبستگی منفی تر در هر سال، به احتمال زیاد به
 معنای هموارسازی بالاتر سود در آن سال است.

نگاره شماره ۶: آمار مربوط به عدم شفافیت سود

سال	عدم شفافیت سود
۷۷	-۰.۰۵۵۲۶
۷۸	۰.۰۸۰۳۹
۷۹	۰.۰۹۱۱۷
۸۰	۰.۰۵۴۸۴
۸۱	۰.۱۲۲۲۴
۸۲	۰.۰۵۲۹۰
۸۳	-۰.۱۲۸۳۴
۸۴	-۰.۰۶۴۹۸
۸۵	-۰.۰۰۴۳۸
۸۶	۰.۰۸۷۵۰

پایایی

مرتب اول را در نظر می‌گیرد. فرض زیر با استفاده از

این آزمون بررسی گردید:

به منظور بررسی پایایی، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شد. این آزمون یک مدل خود رگرسیونی از درجه اول است و فقط خود همبستگی

$$\left. \begin{array}{l} H_0: \text{متغیر مربوطه ناپایاست} \\ H_1: \text{متغیر مربوطه پایاست} \end{array} \right\}$$

صفر مبنی بر ناپایایی رد می‌شود و کلیه داده‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد پایا هستند.

نتایج، بیانگر این است که مقدار آماره این آزمون از مقدار ناحیه بحرانی بزرگتر است. در نتیجه، فرض

نگاره شماره ۷: آزمون ایستایی

آماره آزمون دیکی فولر تعمیم یافته	فرض صفر	
-۳.۵۰۰۹	آماره t	عدم شفافیت سود ریشه واحد دارد
۰.۰۳۵۶	سطح معنای داری	
-۴.۷۷۷۲	آماره t	رشد اقتصادی (بدون نفت) ریشه واحد دارد
۰.۰۰۸۰	سطح معنای داری	
-۴.۱۹۳۹	آماره t	آزادی اقتصادی ریشه واحد دارد
۰.۰۱۹۷	سطح معنای داری	

نرمال بودن متغیر وابسته

و در هر دو مورد همان گونه که انتظار می‌رفت، فرض

نرمال بودن رد نشده است.

از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای متغیر وابسته و آزمون جارگ - برا برای باقیمانده‌ها استفاده شد

نگاره شماره ۸: نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنف

عدم شفافیت سود	
تعداد	۱۰
کلموگروف - اسمیرنف Z	۰.۶۹۹
سطح معنی داری	۰.۷۱۳

EG (Economic Growth) = رشد سالانه

تولید ناخالص داخلی سرانه (بدون نفت)

EF (Economic Freedom) = نمره شاخص

آزادی اقتصادی

$$OEO_t = \alpha + \beta_1 EG_t + \varepsilon_t$$

$$OEO_t = \alpha + \beta_1 EF_t + \varepsilon_t$$

فرض صفر و فرض مقابل برای بررسی معناداری

مدل‌ها به صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0 : \beta_1 = 0 \\ H_1 : \beta_1 \neq 0 \end{cases}$$

مقدار سطح معناداری برابر با ۷۱ درصد، حاکی از

عدم رد فرض صفر یا نرمال بودن متغیر وابسته است.

نتایج حاصل از سایر پیش فرض‌های مربوط به اعتبار

مدل نیز تایید کننده اعتبار مدل هستند.

رابطه عدم شفافیت سود با رشد و آزادی اقتصادی

به این منظور، ابتدا فرضیه‌های آماری به صورت

زیر طراحی شد که در آن:

OEO (Overall Earnings Opacity) = معیار

عدم شفافیت کلی سود

نگاره شماره ۷: رابطه عدم شفافیت سود با رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی

متغیر	عرض از مبدا	رشد اقتصادی	عرض از مبدا	آزادی اقتصادی
ضریب	-۰.۲۹۲۹	۱.۵۷۸۵	۰.۲۶۳	۰.۰۰۳۹
آماره t	-۲.۴۷۲۶	۲.۹۱۵۵	۰.۰۷۳۰	۰.۰۶۳۸
سطح معنا داری t	۰.۰۳۸۶	۰.۰۱۹۴	۰.۹۴۳۶	۰.۹۵۰۷
ضریب همبستگی	۰.۷۲		۰.۰۲۳	
توان تبیین (R ²)	۰.۵۱۵۱۵۱		۰.۰۰۰۵۰۹	
نیکویی برازش مدل (F)	۸.۵		۰.۰۰۴۰۷۶	
سطح معنا داری F	۰.۰۱۹۴۲۵		۰.۹۵۰۶۶	
آماره دوربین - واتسن	۱.۶۲۹۷		۱.۹۸۷۱	

پس از برازش مدل‌های یک متغیره، مدل

رگرسیون دو متغیره نیز برازش شد تا اثر هر دو متغیر

به صورت یکجا سنجیده شود. نتایج که در نگاره

شماره ۸ ارایه شده است، نشان می‌دهد که در مدل

سطح معناداری F نشان می‌دهد که فقط رابطه

خطی عدم شفافیت سود با رشد اقتصادی برقرار است.

رشد اقتصادی بیش از ۵۱ درصد عدم شفافیت سود را

تبیین می‌کند و رابطه مستقیمی با آن دارد.

چند متغیره، که به روش پسر و برازش شد نیز تنها متغیر رشد اقتصادی معنادار بود و توان تبیین نسبت به مدل یک متغیره تغییر چندانی نداشت.

نگاره شماره ۸: نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰.۲۹۲۹	-۲.۴۷۲۶	۰.۰۳۸۶
رشد اقتصادی	۱.۵۷۸۵	۲.۹۱۵۵	۰.۰۱۹۴
توان تبیین (R ²)	۰.۵۱۵۲	نیکویی برازش مدل (F)	۸.۵
آماره دوربین- واتسن	۱.۶۲۹۷	سطح معنی داری F	۰.۰۱۹۴

ارزیابی نتایج

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر محیط اقتصادی شامل رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی بر عدم شفافیت سود است. بررسی نتایج آزمون‌های آماری، بیانگر این است که رشد اقتصادی رابطه مثبت با عدم شفافیت سود دارد. به عبارتی، با افزایش رشد اقتصادی، شفافیت سود کاهش می‌یابد. میزان ضریب تعیین نیز حدود ۵۲ درصد است که مقدار مناسبی است و قدرت تبیین بالای متغیر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های تحقیق بلکویی و النجار نیز همخوانی دارد.

در مورد فرضیه دوم بر اساس نتایج آزمون‌ها، رابطه‌ای بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی مشاهده نگردید.

مدل چند متغیره پژوهش نیز تنها با متغیر رشد اقتصادی معنادار است و میزان ضریب تعیین نیز حدود ۵۲ درصد است، اما در مدل چند متغیره تحقیق بلکویی و النجار، علاوه بر رشد اقتصادی متغیرهای آزادی اقتصادی، حاکمیت قانون، کیفیت زندگی و فساد نیز معنادار بوده، ضریب تعیین برابر ۷۸ درصد است.

به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی بر کیفیت حسابداری تأثیرگذار هستند، بنابراین، باید در مطالعات حسابداری در کنار سایر عوامل مدنظر قرار گیرند.

محدودیت‌های تحقیق

در مورد فرضیه دوم بر اساس نتایج آزمون‌ها رابطه‌ای بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی مشاهده نگردید. این موضوع می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

۱- از آن جایی که تا کنون در ایران اقدامی برای اندازه‌گیری آزادی اقتصادی صورت نگرفته است، بنابراین، از داده‌های مؤسسه فریزر کمک گرفته شد که ممکن است این اندازه‌گیری نشان دهنده شرایط واقعی اقتصاد ایران نباشد.

۲- با توجه به این که مقدار شاخص آزادی اقتصادی برای سال‌های قبل از ۲۰۰۰ به طور پنج ساله موجود است، برای سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ از نرخ تغییرات ساده بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ استفاده شد. در نتیجه، یکی از دلایل ممکن است ناشی از برآوردی بودن داده‌های این دو سال باشد.

ایران است. بنابراین، باید تدابیری اندیشه شود که زمینه‌های افزایش آزادی اقتصادی فراهم شود تا شفافیت سود نیز افزایش یابد.

۳- در تحقیقات آتی تأثیر عوامل دیگری، از جمله عوامل اجتماعی (مانند فساد، کیفیت زندگی، حاکمیت قانون، شاخص توسعه انسانی و ...) و عوامل حسابداری (مانند تعداد حسابرسان، پذیرش استانداردهای بین‌المللی و ...) بر کیفیت حسابداری کشور مورد مطالعه قرار گیرد.

۴- تکرار این تحقیق با تعریف معیار جدیدی از کیفیت حسابداری (استفاده از متغیر دیگری به عنوان کیفیت حسابداری) و سایر روش‌های اندازه‌گیری شاخص آزادی اقتصادی (مانند شاخص آزادی اقتصادی موسسه هریتیج).

۵- ارایه روشی برای اندازه‌گیری شاخص آزادی اقتصادی که بیانگر شرایط واقعی اقتصادی ایران باشد و مقایسه نتایج حاصل از این روش با سایر روش‌ها.

منابع:

۱. برادران شرکا، حمید رضا و سید مهدی سید مطهری. (۱۳۸۶). "رابطه متغیرهای کلان اقتصادی با متغیرهای عمده حسابداری در ایران"، *مطالعات حسابداری*، ش ۱، ۲۰-۳۵.
۲. پور حیدری، امید و داوود همتی. (۱۳۸۳). "بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۳۶، ۴۷-۶۳.

۳- چون شاخص آزادی اقتصادی به چندین روش قابل محاسبه است و در پژوهش حاضر از روش موسسه فریزر استفاده شده است، ممکن است اگر از روش‌های دیگری برای اندازه‌گیری این شاخص استفاده شود، نتیجه متفاوتی به دست آید.

۴- وجود متغیرهای مداخله‌گری که قادر به شناسایی آن‌ها نشده است.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱- از آنجایی که با افزایش رشد اقتصادی، شفافیت سود کاهش می‌یابد، نیاز به تعیین "قرارداد انگیزشی بهینه" افزایش می‌یابد، تا فرصت طلبی ایجاد شده در نتیجه محیط رقابتی‌تر را کاهش داده، مدیران انگیزه کمتری برای دستکاری سود داشته باشند. همچنین، باید "سیستم اطلاعات (حسابداری)" مطلوبی ایجاد شود که از شفافیت کافی برخوردار باشد.

۲- یکی از مؤلفه‌های اصلی شاخص آزادی اقتصادی، حجم و اندازه دولت، مخارج، مالیات‌ها و مشارکت دولت است. هر میزان که سهم مخارج دولتی از مخارج کل کشور افزایش می‌یابد و سهم پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌ها در یک اقتصاد بیشتر می‌شود، آزادی اقتصادی کمتر خواهد بود. این دو مؤلفه شاخص‌های اندازه دولت هستند. دولتی بودن اقتصاد و دولتی بودن بسیاری از شرکت‌های بورسی در ایران، نشان دهنده حجم بالای دولت است که سبب کاهش آزادی اقتصادی و کم رنگ شدن نقش این شاخص در ایران می‌شود. بسیاری از مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های آزادی اقتصادی، از جمله کنترل‌های نرخ بهره، اجازه تعیین قیمت‌ها در بازار کار و کالا، اعمال محدودیت در بازار سرمایه بین‌المللی، میزان تورم باثبات و پایین نیز متاثر از دولتی بودن اقتصاد

11. **Economic Freedom of the World: 2009 Annual Report**, <http://www.freetheworld.com/release.html>.
12. Edlin, A.S. and Stiglitz, J.E. (1997). "Discouraging rivals: managerial rent-seeking and economic inefficiencies", *Working Paper No. W4145*, NBER.
13. Falaschelti, D. (2002). "Golden parachutes: credible commitments or evidence of shirking?" *Journal of Corporate Finance*.
14. Florini, A. (1999). "Does the Invisible Hand Need a Transparency Glove? The Politics of Transparency", *Paper Prepared for the ABCDE Conference*.
15. Gaballero, R.J. and Hammom, M.L. (1998). "The macroeconomics of specificity", *Journal of Political Economy*, 106(4).
16. Gernon, H., and Wallace, R.S.O. (1995). "International accounting research: a review of its ecology, contending theories and methodologies", *Journal of Accounting Literature*, 14, 54-106.
17. Hermalin, B.E. (1992). "The effects of competition on executive behavior", *Rand Journal of Economics*, 23, 350-65.
18. <http://fa.wikipedia.org>, (2009).
19. Leuz, C., D. Nanda, and P. Wysocki. (2002). "Earnings management and institutional factors: An international comparison. Forthcoming", *Journal of Financial Economics*.
20. Matolcsy, Z. (1999). "Executive cash compensation and corporate performance during different economic cycles", *working paper*, University of Technology, Sydney.
21. Orts, E.W. (1998). "Shirking and sharking: a legal theory of the firm", *Yale Law and Policy Review*.
22. Riahi-Belkaoui, A. (2005). "Earnings Opacity, Stock Market Wealth Effect and Economic Growth", *Review of Accounting and Finance*, 4(1), 72-91.
23. Riahi-Belkaoui, Ahmad, Fouad K.ALNajjar (2006). "Earnings opacity internationally and elements of social,
۳. جانسون، بریان، هولمز، کیم، پاتریک، ملانی کرک (۱۳۷۹). "شاخص آزادی اقتصادی سال ۱۹۹۹"، ترجمه امین، محمد ابراهیم. مجله برنامه و بودجه، ش ۴۸، ۱۰۵-۱۳۴.
۴. سمواتی، پیمان (۱۳۸۸). "رابطه ابهام گزارشگری مالی و توزیع بازده سهام"، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. شعری آناقیز، صابر. (۱۳۸۳). "نقش اطلاعات بنیادی حسابداری در پیش بینی بازده سهام"، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. مشایخی، بیتا و مریم صفری. (۱۳۸۵). "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۴، ۳۵-۵۴.
۷. مشایخی، بیتا، ساسان مهران، کاوه مهران، و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). "نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۲، ۶۱-۷۴.
۸. نمازی، محمد. (۱۳۸۴). "بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۲۲ (۴۳)، ۱۴۷-۱۶۴.
9. Bhattacharya, U., Daouk, H., Welker, M. (2003). "The world price of earnings opacity", *The Accounting Review*, 78(3), 641-78.
10. Bushman, R., Piotroski, J. and Smith, A. (2003). "What Determines Corporate Transparency?" *Unpublished Paper*, University of Chicago.

- economic and accounting order", *Review of accounting and finance*, 5, 189-203.
24. Riahi-Belkaoui, Ahmed (2009). "Antecedents and Consequences of Earnings Opacity: Toward an International Contingency Theory", Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1368972>
25. Saudagaran, S., and Meek, G.K. (1997). "A review of research in the relationship between international capital markets and financial reporting by multinational firms", *Journal of Accounting Literature*, 16, 127-59.
26. Scharfstein, D. (1988). "Product market competition and managerial slack", *Rand Journal of Economics*, 19, 147-55.
27. Schmidt, K.M. (1997). "Managerial incentives and product market competition", *Review of Economic Studies*, 64, 191-213.
28. Scott, WR. (1931). "Financial Accounting Theory", Toronto, Ontario.
29. Shauer, F. (2000). "First amendment opportunism", *KSG working paper no. 00-011*, John F Kennedy School of Government, Harvard University, Cambridge, MA.
30. Vishwanath, T., Kaufmann, D. (1999). "Towards Transparency in Finance and Governance", *the World Bank*, Draft.
31. Wallace, O.R.S. and Gernon, H. (1991). "Frameworks for international comparative financial accounting", *Journal of Accounting Literature*, 10, 209-64.